

خود و در مرکز موافق واقع شده اند و مطلق هر دو را آنکه در آن نظر و سنا  
 و مرکز موافق احتیاط کنند و غالب و مغلوب اذنا و این تغییر برهم  
 داشته ام که از هفتم نقطه را از طالع مسؤل گرفته اند و شاهد قریب  
 و بعید و ناظر قریب و بعید که آن دو سوم و پنجم و هفتم است از نقاط  
 بران نقطه کوه کوه اند و مغلوب هر یکی را دیده و برآه عمل کرده اند  
 دیگر درین مثل عقده در میان بود نقطه خاک کشتی را ابلاب بر دم بشکل  
 طریقی پوست به پنجم او از خاک طریقی اعتبار کنیم هفتم او نفعی میشود در  
 مثل موجود بود در مرکز موافق و غیر موافق و مغلوب خود را دید  
 بخلاف طریقی کویم دشمن غالب است او از خاک طریقی اعتبار کنیم هفتم  
 او نفعی میشود و نفعی در مثل موجود بود و در مرکز موافق و غیر موافق  
 و مغلوب خود را دید بخلاف طریقی کویم دشمن غالب است او میزان کویم  
 خاک عقده را اعتبار کنیم باعتبار آنکه طریقی اعتبار نیست لازم بجاییش  
 که با نرزه است باید بر رفت و با عقده است بس عقده را اعتبار کنیم او  
 طالب خاک قبضه الاصل است و خاک قبضه الاصل در مرکز غیر موافق  
 واقع شده است نقطه هفتم عقده طریقی بود این حکم بر عکس اول واقع  
 است پس در او بر است کویم سائل غالب است اما نقطه خاک طریقی از پنجم مستقبل پنجم میشود  
 شد است که مغلوب نفعی و نفعی بیوات و نفعی مغلوب خود را دید و تسلیم در پنجم درین حال نقطه  
 نقطه خاک در آن است  
 مرکز نفعی میشود و او در مثل نبود بجاییش خاک عقده بود برین تبدیلی  
 کویم مرکز اول بر طرف شد مرکز دیگر بجاییش آمد یا آنکه چند بار جنگ

کرد اندک و غالب و کاهی مغلوب شد اندک در آخر سوختی دیگر لشکر و هیئت خود کرد  
 و جنگ کند برادر رسد چو نقطه مرکزی و مرکز علیه در نظر مرکز برادر شود  
 اما مغلوب بر می دود و واقع شده و خاک قبضه الاصل در مرکز غیر موافق اما  
 بجساست شکل گلشن نفعی دیگر است زیرا که قبضه الاصل در سکن خود است و  
 داخل در ششم خود اما این را می کنند همی مرکزی که سائل است غالب شود  
 بر مرکزی علیه که مسؤل و الله اعلم و حکم فایده در طالع سائل اگر کسی مثل  
 ندر روزی زندگ کویم که استیلا طالع این اقلیم جوینست یا طالع من است  
 چو بود بر می کشیدیم برین نیت این نفعی بود حاجت با انقلاب کویم  
 انچه نفعی شد نقطه حکم در سیوم متعین شد بفرقه الخارجی بخش اقلیم  
 از هفت نقطه  
 نکر در هر کدام  
 باشد از اشقی  
 و باد و آب خاک  
 بخش اقلیم در  
 اشقی حیاه اقلیم اول متعلق بر مثل و اگر شکل کویم اقلیم دوم متعلق بختی است  
 اعتبار بر است نفعه الخارجی اقلیم دوم قبضه الخارجی اقلیم سیوم عقبه خارج  
 اقلیم چهارم عقده اقلیم پنجم نفعی اقلیم ششم نفعی اقلیم هفتم بخش اقلیم نواط  
 باد صحر اقلیم اول نفعه الخارجی اقلیم دوم اجتناب اقلیم سیوم و حیوانات  
 عقده داخل که اقلیم هفتم بود بخش اقلیم نقطه اب و خاک نیز برین ترتیب بود

۱۱۰۶  
 ۱۱۰۷  
 ۱۱۰۸  
 ۱۱۰۹  
 ۱۱۱۰  
 ۱۱۱۱  
 ۱۱۱۲  
 ۱۱۱۳  
 ۱۱۱۴  
 ۱۱۱۵  
 ۱۱۱۶  
 ۱۱۱۷  
 ۱۱۱۸  
 ۱۱۱۹  
 ۱۱۲۰

نقطه من علیه نفعی باشد  
 فر موافق و غیر موافق  
 بی خود را در تسلیم  
 و نفعی که نقطه از پنجم  
 و در نقطه من علیه  
 و نفعی نقطه من علیه  
 علیه در مثل نیست  
 بی و مرکز من علیه

بر مرکز موافق و مصادر نیست  
 لیه که نقطه طالع عقده  
 و در نظر هفت نفعی  
 مطلوب نفعی که عقده است  
 مطلوب خود را نرزد  
 بگرفتی است فایده  
 است پس در او بر است  
 شد است که مغلوب نفعی  
 نقطه خاک در آن است  
 نفعی خود را در مرکز  
 است پس حکم تر است

کود اند

نقطه من علیه نفعی باشد  
 فر موافق و غیر موافق  
 بی خود را در تسلیم  
 و نفعی که نقطه از پنجم  
 و در نقطه من علیه  
 و نفعی نقطه من علیه  
 علیه در مثل نیست  
 بی و مرکز من علیه